

سال دوم

جلسه ۴۶

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۰ / ۱۰ / ۶ سه شنبه

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم
در معنا
با هم مختلف اند

قول دوم

بزرگسی نتند
حرفی نتند
هم معنا هستند

قول اول

بزرگسی نتند
حرفی نتند
دارای معنا نیستند

اقوال در بحث حروف

• بررسی شد

نظریه اول:
نظریه مرحوم نائینی

• بررسی شد

نظریه دوم:
نظریه مرحوم اصفهانی

نظریه سوم:
نظریه مرحوم عراقی

قول سوم

حرف و اسم
در معنا

با هم مختلف اند

اشکال چهارم مرحوم امام

تناقض در کلام محقق عراقی !

از طرفی می فرماید:

«حروف، دال بر اعراض نسبی هستند و عرض نسبی «وجود رابطی» دارد»

و از طرفی می فرماید:

«رابطه حروف و هیئات، رابطه مبهم و معین است»

پس : مدلول حروف همان مدلول هیئات است به صورت اجمال

در حالی که ایشان می گویند : هیأت دلالت بر «وجود رابط» می کند.

ما می گوئیم :

باطل بودن اصل اشکال «ان قلت» در کلام مرحوم عراقی!

چراکه : سخن ما در حوزه «مفاهیم» است

بلکه : آنچه بذاته به موضوع مرتبط است، «وجود» اعراض است نه «مفاهیم آن»

لذا : اصلا «ان قلت» وارد نیست تا احتیاج به بحث از «تعیین و ابهام» داشته باشیم.

نتیجه :

۱. پذیرش فرمایش امام در نقد به «تعیین و ابهام»

۲. با ردّ این قسمت از فرمایش مرحوم عراقی، مبانی او را از این حیث حفظ کرد

اشکال مرحوم خوئی

حروف برای «اعراض نسبی» وضع نشده اند

چراکه : ما حروف را درباره اموری استعمال می کنیم که عرض نسبی در آنها راه ندارد

مثل : خداوند = الرحمن علی العرش استوی

مثل : اعتباریات = وجوب، حرمت و ...

مثل : «انتزاعیات» = امکان، ضرورت .. که وجود خارجی ندارند تا عرض نسبی داشته باشند

جواب مرحوم روحانی

همه مبانی باید «توجیه گر» استعمال حروف در حوزه «واجب الوجود» باشند
چراکه: اگر خداوند عرض ندارد، وجود رابط (قول اصفهانی) هم در حق خداوند راه ندارد
پس: این اشکال نمی تواند مانع از قول محقق عراقی شود

ما می گوئیم :

۱. اشکال مرحوم خوئی وارد است

مفهوم «خدا» : دارای «نسبت و ربط» با مفاهیم دیگر است
وجود خدا + مفهوم خدا : دارای «عرض نسبی» نیست
پس : مبانی دیگر که در حوزه «مفاهیم» می توانند درباره خدای سبحان جاری شوند
اما : مبانی مرحوم عراقی در حوزه مفاهیم هم نمی تواند درباره خدا جاری شود.

۲. نادرست بودن نقض به «اعتباریات»

چراکه : در اعتباریات می توان :
هم چیزی را به عنوان «جوهر» اعتبار کرد
و هم می توان چیزهایی را به عنوان «عرض» برای آن جوهر اعتبار کرد :
الطهارة (عرض) فی الصلاة (جوهر)

اللهم إلا ان يقال: مراد مرحوم خوئی از «اعتبارات»، اجزاء ماهیت است

اشکال شهید صدر

چنین نیست که : الفاظ با «وجودات عالم خارج» (جوهر، عرض، وجود رابط) مطابق باشد
اگرچه : بالاخره مدلول هر یک از این الفاظ را مطابق با یک نوع موجود خارجی می یابیم
[ظاهراً مراد ایشان آن است که مدلول برخی از الفاظ را «مطابق» می یابیم]

چراکه : مدلول الفاظ گاه امری «عدمی» یا «اعتباری» و یا «انتزاعی» است
و اصلاً «جوهر یا عرض یا وجود رابط» نیست!

ما می گوئیم:

ایشان نمی گوید: همه الفاظ، مطابق با وجودات عالم خارج است.

بلکه می گوید: وجودات عالم خارج چون محتاج «لفظ» است، اعتبارکنندگان چنین کرده اند:

- «عدم» را یک مفهوم «اسمی» تصویر کرده اند

- و «اعتباریات» و «انتزاعیات» را به صورت «جوهر، عرض نسبی و غیر نسبی» تصویر کرده اند
و سپس: مطابق با قالبی که برای موجودات عینی داشتند، برای آنها هم «لفظ» وضع کرده اند

جمع بندی نظریه مرحوم عراقی

کنار گذاشتن این مبنا :

- اشکالات وارد به نحوه بیان مرحوم عراقی

- خروج از «اصطلاحات فلسفی»

- اشکالات مطرح شده، مبنای ایشان را با مشکل مواجه می کند